

پنتاگون ، چارچوب شکنجه را تعیین کرده است (بخش دوم)

يك مقام دولتي اظهار داشت افسران ارشد گوانتانامو درخواست کردند " خط مشي كلي دفاع از کشور به هنگام وجود دشمني که قوانین را اجرا نمیکند، بازنگري شود". همین مقام دولتي افزود علاوه بر اجازه اعمال شکنجه، این گزارش کمک کرد روي خط مشي هاي "پیشنهاد شده" کنترل بیشتری اعمال شود. يك مقام اطلاعاتي ارتش اعلام کرد شیوه هاي شکنجه که در حال حاضر در گوانتانامو استفاده مي شوند شامل موارد زیر است:

محدود کردن غذاي زندانیان، ندادن لباس به آنها، جستجوي حتي مقعد زندانیان، محروم کردن زندانیان از خواب براي 96 ساعت و قراردادن آنان در موقعیت هایی که پیشترها شرایط استرس زا نامیده مي شد. اگرچه بازجو ها این روش ها را تحقیرآمیز و ناخوشایند مي دانند اما آنها را به عنوان شکلي از شکنجه نمی شناسند.

گروه گردآورنده این گزارش دیدگاه دولت بوش را با جزئیات، اینگونه شرح داده است:

قدرت رئیس جمهور براي به راه انداختن جنگ نامحدود و بالقوه است، نه کنگره و دادگاه ها و نه حتي قوانین بین المللي نمی توانند دخالتي بنمایند. این گروه نتیجه گرفت رئیس جمهور و کسانی که اوامر وي را اطاعت مي کنند توسط قانون شکنجه فدرال امریکا تحت پیگرد قرار نمی گیرند، طبق این قانون ارتکاب یا قصد انجام شکنجه براي امریکایی هایی که در فراسوي مرزها براي دولت کار میکنند جرم محسوب مي شود. در این قانون، شکنجه يعني هر عملي به منظور" وارد آوردن صدمات شدید جسمي و روي یا زجر دادن". جزاي شکنجه گري تا 20 سال زندان و اگر زنداني بمیرد ، حبس ابد یا اعدام خواهد بود.

این گزارش ادعا مي کرد" به منظور محترم شمردن اختیارات بالقوه رئیس جمهور طبق مفاد قانون اساسي (به منظور اداره لشگرکشي هاي نظامي) میبایست اطمینان حاصل شود قانون منع شکنجه، بازجوییهاي که به دستور فرمانده کل قوا انجام مي شود را در بر نمیگیرد. این مطلب دقیقا در اصل گزارش آمده است. ضمنا در این گزارش آمده دادگستري "به این نتیجه رسید که نمیتواند متهمي که مطابق دستور رئیس جمهوري (و اختیارات وي که در قانون اساسي ذکر شده) عمل کرده را تحت پیگرد جنایی قراردهد". این گزارش با ذکر کردن نظرات محرمانه دادگستري که در تاریخ 11 سپتامبر 2001 پیش نویس آن تهیه شد، توصیه کرد که شاخه اجرایی دولت از قدرت اجرایی بسیار بالایی برخوردار است و هر چه که مناسب به نظر مي آید را اجرا خواهد کرد. "تصمیم گيري در خصوص امنیت ملي مستلزم يکي شدن اهداف و تقویت قدرت اجرایی است که هر دو اینها بیشتر ویژگیهاي ریاست جمهوري را نشان مي دهند تا کنگره را." وکلا به این نتیجه رسیدند چون گوانتانامو جزو حوزه قضایی داخلي و ساحلي ایالات متحده بوده قوانین شکنجه به زندانیان گوانتانامو اعمال نشده در حالی که همین قوانین بر روي زندانیان در کشور افغانستان به کار بسته شده است. از این رو هنگامیکه قانوني براي اداره دولت هاي تابعه در خارج از این کشور

اعمال می شود، گوانتانامو جزو قلمرو ایالات متحده محسوب می شود.

وکلائی دولت به این نتیجه رسیدند که "قانون دعوی شکنجه خارجی" بدون موافقت دولت آمریکا بر ضد دادگاههای این کشور قابل رسیدگی نمی باشد. این قانون که در سال 1789 تصویب شده اجازه می دهد کسانی که شهروند آمریکا نیستند دادگاههای این کشور را برای نقض قوانین بین المللی تحت پیگرد قانونی قرار دهند. و "قانون حمایت از شکنجه شدگان" مصوب سال 1992 اجازه می دهد فقط دادخواست هایی که علیه مقامات خارجی به جرمهای شکنجه یا "قتل خارج از صلاحیت قضایی" ارجاع شده اند بررسی شود و "رفتار نمایندگان ایالات متحده که تحت لوای قانون کار می کنند" مورد بررسی قرار نمی گیرد.

دولت بوش پیشتر با دادگاه عالی بر سر اینکه زندانیان خارجی در گوانتانامو از حقوق قانونی خود برخوردار نبوده و نمیتوانند بازداشت خود را در دادگاه به چالش بکشانند مشاجره کرده بود. انتظار می رفت دادگاه عالی در این مورد ظرف یک ماه حکم خود را صادر کند.

در افغانستان و دیگر مکانهای خارجی که قانون شکنجه قابل اجرا می باشد، گزارش ماه مارس 2003 تعریف محدودی از شکنجه عرضه کرده و سپس دفاعیه هایی که مقامات دولتی هنگام متهم شدن به ارتکاب به شکنجه گری میتوانند استفاده کنند را ارائه می دهد. برای نمونه به آنها می گفتند به دادگاه اعلام کنند از روی صداقت اشتباهها به نصایح وکلا و کارشناسان اعتماد کرده اند. این گزارش توصیه می کند که هنگام متهم شدن به شکنجه زندانیان "صداقت یک دفاع کامل محسوب خواهد شد."

این گزارش اعلام می دارد که "تحمیل درد یا زجر دادن، چه فیزیکی و چه روانی به خودی خود برای اینکه شکنجه محسوب شود کافی نیست". وکلا پیشنهاد میکنند اینگونه آزار و اذیت ها باید "طاقت فرسا" باشند و آنها برای تایید این پیشنهاد خود روی تعریف این کلمه در لغت نامه تکیه می کنند که می گوید "باید چنان شدت بالایی داشته باشد که درد ناشی از آن به سختی قابل تحمل باشد".

این قانون می گوید شکنجه میتواند بواسطه استفاده یا تهدید به استفاده از "مواد توهم زا یا دیگر روشهایی که عمیقاً احساس شخصیت را از بین می برند" ایجاد شود. اگرچه وکلای بوش پیشنهاد می کنند که "این به معنای عدم استفاده از بعضی یا تمام داروها نیست" و "در هم گسیختن احساسات یا شخصیت به تنهایی برای غیرقانونی اعلام کردن آنها کافی نمی باشد". وکلا در مورد استفاده غیرعمدی از داروها یا دیگر روش های روانشناسی تشخیص دادند "این رفتارها میبایست به عمق توانایی های فرد برای درک دنیای پیرامونش نفوذ کند".

ژنرال هیل مدتی پیش گفت ارتش از تزریقات یا مواد شیمیایی روی زندانیان استفاده نمیکند.

بعد از تعریف شکنجه و دیگر اعمال ممنوع، این گزارش "طرز فکری قانونی که میتوانند منجر به رفتار خاصی شوند و در غیر اینصورت جنایی و غیر قانونی محسوب می شوند را عنوان میکند". در درجه اول، وکلا به قدرت و اختیارات رئیس جمهور به عنوان "فرمانده کل قوا" تکیه کرده و نتیجه گیری می کنند "بدون توضیح شفاف قوانین جنایی، راه انداختن جنگ از اختیارات رئیس جمهور بوده و تخلف یا تعدی از

قوانین محسوب نمی شود." فراتر از این، وکلا اعلام کردند "هرگونه تلاشی از طرف کنگره برای تنظیم مبارزات غیرقانونی، تجاوز به قدرت منحصر به فرد رییس جمهور به عنوان فرمانده کل قوا محسوب می شود".

همچنین وکلا دریافته اند که " اصول قانون اساسی " تادیب مسئولانی که با رئیس جمهور در بکار بستن اختیارات انحصاری وی به موجب قانون اساسی همکاری کرده اند " را غیرممکن میسازد. نه کنگره و یا حتی دادگاه ها نمیتوانند " تعقیب قانونی چنین فردی را درخواست کرده یا وی را تحت تعقیب قرار دهند." به منظور حفاظت از زیردستان در برابر اتهام به شکنجه گری، در این یادداشت پیشنهاد شده بود از آنجا که قدرت کنارگذاشتن قانون از اختیارات بالقوه رئیس جمهور است، بوش "دستور رئیس جمهوری با چیزی مشابه آن" را منتشر کند که مانند دلیل و مدرک در دادگاه عمل کند.

این گزارش پیشنهاد کرد که مقامات دولتی میتوانند اینگونه استدلال کنند که " ضرورت " استفاده از شکنجه کار آنها را توجیه میکند. وین لافیو و آستین و اسکات در "قانون جنایی بنیادی" خود می گویند "لزوم" دفاع میتواند کشتن فردی در سطح بین المللی را توجیه کند..... چون آسیبی که ممکن است از آن فرد برسد فراتر است." وکلا با ذکر این جمله استاندارد قانونی نوشتند: گاهی اوقات نفع جامعه بیشتر با زیر پاگذاشتن ساده ترین حقوق زندانی تامین می شود.

بعلاوه، این گزارش توصیه کرد که شکنجه یا آدمکشی می تواند به عنوان "دفاع از خود" نمایانده شود، یک افسر باید "واقعا باور کند" لازم بوده خطر قریب الوقوعی که در کمین امریکا است را از سر راه بردارد. به صورت عمومی دکتترین "دفاع از خود" توسط اشخاص به عنوان دفاع در مقابل حمله تعبیر می شود. در سال 1890 دادگاه عالی از حق یک معاون مارشال ایالات متحده برای کشتن فردی که به استفان فیلدر، رئیس دادگاه عالی حمله کرده بود با اعلام این عمل به عنوان "دفاع از خود و دفاع از ملت" حمایت کرد. با استناد به نظرات دادگستری، گزارش به این نتیجه رسید که "اگر یک وکیل دولتی مجبور شود حین بازجویی با رفتاری که شدیداً ناقض ممنوعیت جنایی باشد به دشمنان مهاجم صدمه بزند، "رفتار وی اینگونه توجیه می شود" که وی به منظور جلوگیری از حملات بعدی به امریکا توسط شبکه تروریستی القاعده چنین رفتاری را انجام داده است.

آقای لافیو، پروفیسور حقوق در دانشگاه ایلینویز گفت اطلاع نداشته که پنتاگون از یادداشتهای وی برای تحلیل های قانونی خود استفاده کرده است. اگرچه وی موافق بود که در بعضی موارد "الزام" میتواند دفاع مناسبی در برابر اتهام به شکنجه گری باشد. آقای لافیو گفت: اینجا مردی هست که یقیناً مکان بمبی که شهر نیویورک را تبدیل به مثنی خاکستر میکند میداند. آیا باید وی را شکنجه کنیم؟ به نظر من پاسخ آن بسیار ساده است. اما وی افزود "الزام" نمیتواند سرپوشی برای شکنجه زندانیان، تنها به دلیل ترس عمومی از "به خطر افتادن ملت" باشد.

در مورد اعضای ارتش، این گزارش پیشنهاد کرد که مسئولان میتوانند از جرمهایی نظیر شکنجه گری با این

دفاع که آنها دستورات مقامات ارشد خود را انجام داده اند بگریزند. چون "می توان استنتاج کرد چنین دستوراتی قانونی بوده" و "در صورت سرپیچی عواقب آن متوجه فرد خاطی خواهد بود". در محاکمه های نورمبرگ در مورد جنایتکاران جنگ نازی ها، کشتار دسته جمعی در جنگ ویتنام توسط سروان ویلیام کالی مامور ارتش امریکا و محاکمات جنایات جنگی سازمان ملل در جنگ رواندا و یوگسلاوی پیشین، با آزمودن دفاعیه "اجرای فرامین مقامات ارشد"، این گزارش نتیجه گرفت در مورد آن دسته از "پرسنل نیروهای مسلح امریکا که در بازجویی های ویژه ای شرکت کرده اند بجز آنجایی که بازجویی ها تا کنون به طور غیرقانونی صورت گرفته" میتوان از این دفاعیه استفاده کرد.

ماری الن اوکونل، پروفیسور حقوق بین الملل در دانشگاه ایالت اوهایو که گزارش را ملاحظه کرده است می گوید: به نظر می رسد این گزارش "برای یافتن راه های گریز قانونی که استفاده از شکنجه در برابر زندانیان را مجاز میدارد" طراحی شده است. کارکنان سازمان سیا فکر میکنند تحت پوشش و حمایت مقامات قرار دارند و در صورت تخلف مسئولیتی متوجه آنان نخواهد بود.

جهت تماس

A.C.P
Postfach 12 02 06
Frankfurt am Main 60115
Germany

Fax: 00-49-221-170 490 21
E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de
Web Site: <http://www.iranian-fedaii.de>